

# گوشه‌ای از فجایع ملک متمدن

## قیافه واقعی تمدن غرب

( ۴ )

فکر میکنم خوانندگان گرامی مقصود و علل درج این سری مقالات را بخاطر داشته باشند در هر صورت بر هیچکدام از خوانندگان عزیز پوشیده نیست که ملل غرب از دیر زمانی تحت عنوان «متمدن تر بودن» ! هرگونه تبلیغات سوو را علیه مقدسات دینی و ملی ما شرقیان رو امیدارند و سعی می کنند که جسد بی جان «آقائی» خود را بهر طریقیکه شده راست نگه دارند .

مادر طول این مقالات سعی کردیم تا حد امکان به اهیت واقعی این تمدن پرسر و صدا آشنا شویم و آنرا از نزدیک بشناسیم و درک کنیم که آیا اصولاً میشود نام این دسته از مردم جهان را واقعاً متمدن گذاشت ؟

صحبت مادر اطراف استعمال سرسام آور مواد الکلی بود که تا اندازه ای با میزان مصرف و نتایج آن در غرب آشنا شدیم الان در جلوی من نشریه ای بنام «رتونک» که مورخ پانزدهم آوریل ۱۹۶۲ است قرار دارد؛ این نشریه یکی از صدها نشریات ارگان جمعیت دینی پرتستانهای آلمان میباشد که مقاله مفصلی درباره مصرف الکل درج نموده است و من بعلت تفصیل آن فقط به ترجمه قسمتهائی از آن برای استحضار خوانندگان عزیز اکتفا مینمایم . نشریه مزبور پس از شرح مقدمه خود مینویسد :

یکی از علل اساسی روزافزون شدن تصادفات و سائط تبلیه مصرف سرسام آور مواد الکلی است . علت آن اینست که در اثر مصرف الکل حالت جنون مانندی با انسان دست میدهد که در نتیجه کنترل ماهیچه های بدن و اداره اراده انسانی برای مدتی از دست میرود . واضح است که اگر چنین کسی مثلاً رانندگی کند قدرت اراده و کنترل او آنقدر نیست که بسرعت اتومبیل توجیه نماید

و اگر چنین شخصی مکانیک باشد در مراقبت دستگاههای مکانیکی و اداره امور فنی احتیاط و توجه لازم را از دست میدهد ، سپس نشریه مزبور ادامه میدهد :

هر روز صدها موضوعات از جنایتها ، آدمکشها و بیعتنیها در روزنامهها میخوانیم ، و در پایان يك وحشت و هراس و نگرانی فوق العاده بر ایمان میماند ، اینها همش نتیجه مصرف روزافزون مواد الکلی است و بس ، سپس نشریه مزبور در اطراف اینکه آیا اخیراً ماده ای کشف شده که تأثیر الکل را در بدن انسان خنثی کند چنین مینویسد :

« برخی از احمقها حرفهایی میزنند و هزاران نفر مردم بدبخت بدون فکر آنرا قبول میکنند . از جمله اینکه میگویند اخیراً موادی کشف شده که اثر الکل را در بدن از بین میبرد و به شاربین الکل مخصوصاً در مواقع رانندگی کمک میکند . مثلاً آن احمقها از چندی پیش میگفتند خوردن يك قاشق روغن زیتون قبل از نوشیدن الکل و یا خوردن يك پیاز و آبلیمو یا خیار شور و غیره در خنثی کردن اثر الکل تأثیر قابل توجهی دارند و یا برخی میگویند نوشیدن قهوه غلیظ و یا لیموناد های حاوی کافئین بایستی با اصطلاح انسان را از مستی بدر آورند . . . . باید بانها گفت اولاً چیزیکه (از طرق علمی و پزشکی) مسلم است هیچ ماده ای فعلاً وجود ندارد که اثر الکل را خنثی نماید و ثانیاً نتیجه این تبلیغات شوم غیر از جنایت و خیانت به افراد بشر چیز دیگری نیست !

به تجربه ثابت شده است که مردم عوام و ابله (که متأسفانه اکثریت را تشکیل میدهند) حرف يك عده عوام قریب و متملق را باور کرده و بدون فکر سلامتی و جان خود را در خطر انداخته و با جان و مال سایرین بازی میکنند ، در خاتمه باز هم تأکید میشود که اصولاً ماده ای یافت نمیشود که روی تأثیر الکل در بدن واقعاً مؤثر باشد و هیچ نوع چیزی نیست که بتواند میزان الکل را در خون پائین بیاورد و بنا بر این خیال اینکه ماده ای یافت شده که انسان را از مستی در میآورد خیال واهی و پوچی بیش نیست ، نشریه مزبور در پایان با شدت زیاد از خوانندگان خود میخواهد که گول این شیادان را نخوردند و با انداختن خود بد اما ان الکل باعث بدبختی خود ؛ فامیل ، فرزندان و سایر مردم بیگناه نشوند و البته نویسنده مزبور از ادبیات ایران اطلاع نداشته و الا کلام خود را مختصر کرده و مینوشت :

« ای کاش شود خشک بن تالك و خداوند زین مایه شر حفظ کند نوع بشر را . »

\* \* \*

هر روز در اثر استعمال روزافزون مواد مختلف الکلی صدها و بلکه هزارها وقایع وحشتناک و جانخراش در کشورهای غربی بچشم میخورد ؛ صدها تصادفات اتومبیل و قتل و جرح مردم در اثر مستی رانندهها ، و هزاران جنایت و وحشیگری بواسطه نوشیدن مواد الکلی اتفاق میافتد .

به همین جهت است که اولیاء دول غرب سخت به تکاپو افتاده اند خودشان هم نمیدانند چه بکنند . از طرفی این دولتها ، دولی هستند مادی و نمیتوانند علناً مصرف الکل را کم بکنند چون در نتیجه مالیات آن کمتر میشود و کمتر پول به جیب ایران دولت ها میرود از طرف دیگر در اثر کنفرانسهای پزشکی و اعلام خطر دانشمندان پزشکی میخواهند با کمی تبلیغات و سرو صدا و راهنمایی مردم سر و ته قضیه را بهم بیاورند ، مثلاً در آلمان تا بحال هر تصادفی که میشد برای اینکه ثابت کنند آیاراننده مست بوده یا نه مقدار الکل موجود در خون او را فوراً اندازه می گرفتند و هر کس درخونش ۱۲۵ «پرومیل» (دو هزار) الکل داشت او را جرم نمیگرفتند و میگفتند زیاد مشروب نخورده که باعث مستی او بشود ولی دائره پلیس و اولیاء امور دیدند با وجود کنترل کافی ؛ تصادفها بیشتر میشود و اغلب هم رانندگان هستند که دهان نشان بوی الکل میدهد ، ولی درخونشان شاید بیش از ۱۲۵ پرومیل نباشد باین جهت مدتی است که سروصدای زیادی ایجاد شده که آیا باید مقدار الکل درخون را کمتر در نظر گرفت یا همانقدر درست است ، بواسطه این سرو صداها صدای برخی از متخصصین و دانشمندان مربوطه هم درآمده ؛ از جمله پروفوسور «لوگز مبورگر» درکنگره ای که در شهر «مونخ» تشکیل شده بود موضوع را مورد بحث قرار داده و گفت : اصولاً هر کسی در مقابل الکل حساسیت بخصوصی دارد برخی بایک گیلاس مست میشوند و بعضی با نوشیدن یک شیشه هم مست میشوند و اینکه آیا ۱۲۵ پرومیل درخون حدود مستی اشخاص است کاملاً غلط است ؛ خلاصه در این سرو صداها قرار شده ۱۲۵ پرومیل به ۸۰۰ پرومیل الکل درخون تقلیل یابند . ولی آیا کسیکه شروع بنوشیدن الکل میکند بفکر آنهم میافتد که مقدار الکل درخونش بچه مقدار رسیده ؟ ؛ واضح است که خیر ؛ بلکه در آنوقت فقط بفکر نوشیدن آن است و وقتی برای فکر در اطراف مضار الکل و مقدار آن درخون ندارد حالا اگر صدقاً نون هم درست کنند تا از ریشه بفکر علاج آن نیافتند راهی خطا رفته و بقول معروف سرخودشان کلاه میگذارند !

\* \* \*

سخن بدر از ا کشید ولی اینها مطالبی است که باید دانست اگر اینها واقفاً فکر مالیات ها و درآمد مواد الکلی را نمیگردند و از راه حقیقی و علمی با نظریات دانشمندان وارد میشدند صد درصد مصرف مواد الکلی را ممنوع مینمودند تازه فرض میکنیم اگر این قدر تکامل پیدا میکردند دست باین کار میزدند ؛ در صورتیکه دین ما در هزار و اندی سال قبل مصرف آنرا ممنوع کرده است ؛ اینست گوشه ای از حقایق زندگی متمدنان غربی . ولی حالا توجه بفرمائید که تبلیغات آنها بچه نحو است :

دریک فیلم تاریخی که چندی پیش نمایش دادند خواسته بودند تاریخچه ای از دین اسلام را

با مناظر کشورهای اسلامی و مساجد و غیره به مردم نشان بدهند پس از نشان دادن چند مسجد از کشورهای عربی گوینده مطالب زیادی گفت. از جمله اینکه این نوع کاشیکاری و گنبد و مناره و غیره را مسلمانها از شرقیهای قدیم و از هنر کشور های تسخیر شده اقتباس کردند؛ حال آنکه اینجا زیاد مهم نبود، بعد شرح مختصری از حضرت محمد (ص) داده و گفت: اوس از مطالعه کافی در دین یهود و مسیح قوانین و نظریات مذهبی این دو دین را مخلوط کرده و دین اسلام را ساخت! و گفت «الله» خداوند بزرگ جهان است و خلاصه طوری این جملات را شرح داد که چند نفر گفته بودند: راستی ابناء بشر چه کارهایی میکنند؟؟؟

مقصودم از شرح موضوع بالا این بود که خوانندگان گرامی بدانند با اینکه خود اروپائیان و افعال لحاظ معنوی چیزی ندارند علیه مقدسات سایرین تبلیغات سوء مینمایند؛ و با این ترتیب خود را بالا میبرند. یاللعجب! در هر صورت از موضوع مورد بحث خارج نشویم؛ بحث ما در باره مصرف مواد الکلی و نتایج ناشیه از آن بود.

اگر در شهرهای بزرگ اروپا در آخرهای شب کسی از نزدیک کافه ها و مشروب فروشها عبور نماید مناظری را بچشم خود میبیند که راستی شرم آور است! در این مواقع اغلب در اثر زد و خورد و کتک کاری نزدیک این اماکن ماشینهای پلیس ایستاده و یا اشخاصی را میبینید که در اثر زد و خورد یکدیگر را خونین و مجروح نموده اند و یا اولگردان مست اغلب کنار دیوارها ایستاده مشغول استفرغ و دشنام به سایر عابریین هستند.

اگر این اعمال کثیف و غیر انسانی فقط شبها در اماکن عمومی انجام میشود جای گله برای جوانان و زنان و کودکان که اغلب بایستی زودتر بخوابند بایستی ایجاد کند چون در طی هر سال روزهایی هم وجود دارد که مردم متمدن غرب در روز روشن دست باین افشاحات میزنند.

\* \* \*

هر سال در اغلب کشورهای اروپا و امریکا چند روزی را بعنوان ایام کارناوال جشن میگیرند در این روزها تمام مردم از کوچک و بزرگ، زن و مرد، پیر و جوان لباسهای عجیب و نیمه عریان بتن کرده و با انواع و اقسام آرایش های مدرن و مختلف در خیابانهای شهرها رژه میروند دسته های موزیک رقص و مجسمه های کاریکاتور شکل با برنامهای قبلی از طرف دستجات مختلف در تمام خیابانها نمایش داده و با اصطلاح خوشند و شادی میکنند. سایر مردم هم از کوچک و بزرگ، زن و مرد بافتخار این ایام از صبح تا شب در خیابانها مشروب میخورند، میرقصند و پای میکوبند و شیشه های خالی مشروب را بخیا بانها پرتاب میکنند. بطوریکه روز به صد ها هزار بطریهای خالی و شکسته از کنار خیابانها جاروب میشوند و آنقدر میرقصند و هیاهو میکنند تا

آنکه شب فرا رسد در این وقت نیمی از مردم مست و لایعقل در خیابانها عریضه میکشند و نیم دیگر هم در کاباره‌ها عیاشی مینمایند

زن و شوهرها طبق قرار قبلی انگشترهای تاهل خود را بیرون آورده و جداگانه هر کدام ماسکهای بی روی صورت خود میگذارند که در میان کاباره‌ها و رقصخانه‌ها در حین رقص و عیاشی یکدیگر را نشانند و بتوانند آزادانه هر کاری را که میخواهند بکنند. من راجع باین موضوع از یک مجله در ایام کارناوال چند خطی را نوشته‌ام که اکنون برای استحضار خوانندگان ارجمند ترجمه آنرا بعرض میرسانم :

### از کنار خاطرات يك تقويم در روزهای کارناوال : در شب های کارناوال

زنهایمان را اخراج میکنیم و زنهای دیگر را باهستگی بمنزل میبریم و هر کاری را که معمولاً نبایدست کرد انجام داده و این شبها را آنطوری میگذرانیم که همیشه در تمام روزهای سال آرزوی آنرا میکشیدیم !

### از يك مكالمة بين يك زن و شوهر در شب کارناوال : قرار ما اینستکه از ساعت

۱۰ شب تا ساعت ۴ صبح امشب حسادت و تمصب را کنار بگذاریم نه تنها این قرار ما است بلکه این قرارداد کارناوال است و بایستی اجرا شود ما باید بدانیم که وظایف متقابل زناشویی در این شب برای مدتی خارج از جریان حقیقی خود خواهد بود و این کار را نه تنها ما بلکه همه در کارناوال میکنند و چنانکه تصادفاً موقع رقص و عشقبازی با داشتن ماسک همدیگر را دیدیم طوری وانمود میکنیم که اصلاً ما یکدیگر را نمیشناسیم !

### خوانندگان ارجمند خوب توجه فرمائید اینها حقایقی است از این کشورهای متمدن حالا

در این ایام چه اتفاقات شوم و وحشتناکی میافتد و چه خانواده‌های زیادی که از هم پاشیده میشود موضوع بحث ما نیست و اگر من بخواهم فقط در اطراف این کارناوالها حقایق بیشتری بعرض شما برسانم خود کتابی جداگانه خواهد شد که از بحث کنونی ما خارج است ولی چون در این ایام بیشتر از هر موقع دیگر در کشورهای اروپائی و امریکائی مشروبات الکلی مصرف میشود و حوادثی که در این ایام اتفاق میافتد بیشتر بواسطه بدمستی و تظاهر بمستی این مردم است اینستکه بیجانمیدانم چند خمر را از روزنامه‌های ایام کارناوال آلمان بیرون بیاورم تا ببینید نتایج و مزایای تمدن غرب بهای چیست و چه فلاکت‌هایی ببار میآورد .

\* \* \*

نشریه رتو ننگ مورخ فوریه ۱۹۶۲ یعنی ایام کارناوال سال گذشته نقل از چند روزنامه

دیگر چنین مینویسد :

## چند خبر از ایام کارناوال :

۱ - در شهر دوسلدرف در روز کارناوال یک نفر مرد مست با بطری به سر نفر دیگر میزند و او را بسختی مضروب و بیهوش بروی زمین میاندازد . مضروب بواسطه صدمات وارده و تکان شدید مغزی به بیمارستان حمل میشود که حالش بسیار خطرناک است .

۲ - در شهر دوسلدرف بعد از خاتمه برنامه کارناوال یک جوانی میخواست رفیقش را بمنزل برساند اما این موضوع برای رفیق دیگر دخترک که مست هم بود گران تمام میشد و حس حسادتش چنان گل گردد که بایک حمله بضر بوکس رقیب خود را بزمن میافکند بوکس زدن آقا بی تأثیر نماند و صبح روز بعد ابرین جسد جوانک بیچاره را در کنار خیابان یافتند .

۳ - در شب کارناوال در یک ده نزدیک شهر مونستر پلیس جسد جوان زارعی را کنار خیابان یافت که کیف او را هم برده بودند .

۴ - در ویلن زدرف بین دو نفر در شب کارناوال در یک کافه مشروب فروشی نزاع در میگیرد بطوریکه یکی دیگری را از پله ها پرت میکند مضروب در اثر سقوط از پله ها کاسه سر او ترک خورده و جان میدهد .

و حالا چند خبر خلاصه دیگر از حوادثیکه ممکن است در اثر این جنجالها و شلوغ بازیها در هر لحظه اتفاق بیافتد .

۵ - روزن مونتگ در شهر دوسلدرف (روزاول کارناوال را که همیشه دوشنبه است در آلمان روزن مونتگ میگویند ) :

روز مزبور با آنهمه خاطرات و انبوه مردم در خیابانها روزیست فراموش نشدنی اما برای والدین دختر ۱۲ ساله ای از همه بیشتر فراموش نشدنی است ، در روز مزبور موقعیکه یک اتومبیل شوکولات بسروکله مردم میریخت دخترک ۱۲ ساله مزبور دنبال شوکولات میدود که ناگهان بزیر چرخهای اتومبیل افتاده و وقتی سایرین بسروقت او میرسند که دخترک بیچاره جان داده بود این اتفاق در چندجا افتاد و باعث مرگ چند کودک بیگناه شد .

۶ - مردم شهر آخن یک کارناوالی مخصوص کودکان برپا کردند و برای اینکه کودکان صدای هولناک و ترقه مانند ایجاد کنند بادکنکهای حاوی گاز شعله ور را آتش زدند و در نتیجه شعله آتش زبانه گرفت که پس از خسارات خیلی زیاد پنج کودک بسختی سوختند که وضع بعضی از آنها خطرناک است .

۷ - در ایتر هوسن موقع عبور رژه کارناوال از بالای اتومبیل قشنگی که عده ای نشسته بودند یک نفرشان به پائین سقوط کرده بلافاصله چرخ اتومبیل از رویش عبور کرده و جان میسپارد

از موضوع خارج نشویم چنانکه روزنامه‌های روزهای کارناوال نوشته (ومن آنها را یاد داشت کرده‌ام) با وجود مه‌غلیظ تعداد بیشماری از راننده‌های وسائط نقلیه در اثر نوشیدن الکل با سرعت بیش از ۱۰ کیلومتر اتومبیلها را میراندند نتیجتاً اینکه طبق گزارش پلیس صدها تصادفات پیش آمده که پلیس اغلب وقت رسیدگی با آنها رانداشته و ضررهای مالی و جانی حاصله از این وقایع غیر قابل جبران بوده است.

\* \* \*

آری خوانندگان عزیز اینست گوشه‌ای از نتایج شوم و خانمان بر انداز تمدن کنونی غرب با شرح این مختصر که قطره‌ای از دریاهم محسوب نمیشود باید خوانندگان گرامی درک کنند که در زیر این طبل‌های پرسر و صدا و تبلیغات شوم و پرهیاهو غیر از وحشت و آدمکشی، جنایت و سبعمیت چیز دیگری نیست! آنها نه تنها صرف روز افزون مواد الکلی و استعمال سرسام آورده‌خانیات را سبب تمدن خود میدانند؛ نه تنها آزادی بی‌حد و حصر جوانان بی‌گناه و آلوده شدن آنان را به فساد و تباهی و انحرافات اخلاقی از امتیازات پیشرفت قرن بیستم خود حساب می‌کنند بلکه متأسفانه اغلب اوقات به این علائم سبعمیت فخر هم کرده و بی‌اندازه با نهم می‌بالند!

ولی خوشبختانه در اثر پیشرفت و تحقیقات علمی دانشمندان مختلف امروزه این متمدنان غربی عملاً در بیشتر موارد نمی‌توانند حرفهای فرضی و پوچ خود را بروی کرسی بنشانند. مثلاً در اطراف همین موضوع یعنی صرف الکل و مضار آن خوشبختانه امروزه تحقیقات کافی شده و متأسفانه شرح کافی تأثیر مواد الکلی بر روی ارگانهای مختلف بدن در این مختصر نمی‌گنجد چه بهتر است که خوانندگان گرامی به مجله شماره ۸ سال چهارم مکتب اسلام بمقاله راجع باین موضوع مراجعه فرمایند ولی با وجود این بیجا نمیدانم که مختصری نیز در این باره بعرض خوانندگان عزیز برسانم:



طبق آزمایشات پزشکی حداکثر الکل خالصی که یک شخص معناد با الکل می‌تواند نوشیدن آن را تحمل کند نیم لیتر است و اگر یک نفر غیر الکلیست نیم لیتر الکل بنوشد جا بجا مسموم شده و میمیرد که آنرا مسمومیت حاد می‌گویند آن شخص معناد هم که نمی‌میرد اغلب ارگانهای اصلی بدنش مثل مغز، کبد، معده، قلب، و بطور کلی دستگاه گردش خون و غیره بطور تدریجی مسموم و بشکل مزمن، مریض شده‌اند.

آزمایش نشان میدهد که اگر انسان روی یک حیوانی که کمی ناراحتی کبدی داشته باشد کمی الکل تزریق کند آن حیوان به امراض کشنده کبدی دچار میشود همین‌طور اغلب اشخاص

شارب الخمر در اثر مسمومیت الکلی و ناراحتی های کبدی بسادگی باین امراض کشنده دچار میشوند و یا اینکه باز در اثر مسمومیت مزمن الکلی بامراض غیر قابل علاج قلبی ، مغزی و در نتیجه دیوانگی و حتی گاهی کوری و کری گرفتار میشوند که اغلب آنها اثر در ارت باقی میماند آزمایش دیگر نشان میدهد که اگر ما به ۱۰۰ موش نر (۱) مقدار کمی الکل تزریق کنیم ۸۴ عدد آنها در اثر مسمومیت در مدت کوتاهی میمیرند . در این صورت بر چه کسی پوشیده است که الکل برای بدن انسانی سم مهلکی است ؟ آیا باز هم میشود باهیا هو و جنجال و تبلیغات سوء از این نوع اثرات و مزایای تمدن غرب پشتیبانی و دفاع کرد ؟ یکی از نمونه های پیشرفت تمدن غرب چنانکه بمرض رسیدهمانا صرف روز افزون مواد الکلی بود و چنانکه مختصراً خوانندگان گرامی دیدند آن نتیجه اخلاقی الکل بود که به آدمکشی ، وحشیگری و انحرافات اخلاقی کشیده میشد و اینهم اشاره ای از تأثیرات آن بروی بدن انسان است که بمرگ شارین و مریضی دائمی معتادین منتهی میگردد .

آیا باز هم میشود نام چنین جوامعی را که در آنها روز بروز صرف مشروبات الکلی فزونی مییابد و مردمشان بدان افتخار هم میکنند جوامعی منمندن ! گذاشت ؟

(۱) مقصود از اینکه موش نر نوشتم چون نتیجه آزمایش مزبور بر روی موشهای ماده طوری دیگر بوده یعنی اگر ما به ۱۰۰ موش ماده مقدار کمی الکل تزریق کنیم فقط ۳۰ عدد آنها میمیرند و بهمین نسبت تأثیر سوء دخانیات بر روی جنس خشن و جنس لطیف و این تأثیر درست بهمین نسبت بر روی جنس خشن و جنس لطیف اولاد آدم می باشد و گویا اصلاً از این لحاظ جنس خشن و لطیف جای خودشانرا عوض کرده اند .

### بقیه از صفحه ۱۶۴

محمد بن عبدالملك از وزرائی بود که در دستگاه خلفاء بنی عباس موقعیت خاصی داشت ، این وزیر سنگدل و بی باک برای مجازات زندانیان ، تنوری از آهن که دیوارهای داخلی آن میخهای برجسته ای داشت ، مهیا ساخته ؛ زندانیان تیره بخت را در همین جایگاه پر زجر و وحشت را محبوس می ساخت ؛ بعلاوه به تنور نیز حرارت میدادند ، تا بدین ترتیب از فشار شکنجه طاقت فرسا بفقیع ترین طرزی جان بسپارند .

وقتی متوکل بخلافت رسید وی را از وزارت معزول و سپس در همان زندان خود ساخته بازداشت گردید ، اوقاتی که آخرین لحظات زندگی را پشت سر میگذاشت ؛ کاغذ و دواتی در خواست نمود ؛ و بر آن دو بیت شعر بنویسند :  
 هی السبیل فمن یوم الی یوم  
 کانه ماتریک العین فی نوم